

تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرتها

نرجس سادات حسینی نصرآبادی

دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۸

چکیده

با توجه به رویدادها و وقایع غیرانسانی مخالف با حقوق بشر در جهان امروز، جنگ علیه تروریسم به گفتمان مسلط امنیتی در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. کشورهای قدرتمند، با حمله به شخصیت‌های نخبه و امنیت ساز ملی و ورود اجباری به قلمرو کشورها درصدد رسیدن به اهداف خود هستند و اگر با اعتراض مواجه شوند با نقشة قبلی و با جهت‌گیری‌های سیاسی برای ایجاد ترس در بین ملت‌ها به اقدامات خشونت آمیز متوسل می‌شوند. در واقع، جریان تروریسم منشاء بُروز ناامنی و تهدید در سرتاسر جهان، به‌ویژه مناطقی نظیر خاورمیانه، شده است. به‌طور کلی، حوزه نفوذ و اثرگذاری تروریسم، سطوح فضایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر می‌گیرد. در حال حاضر، تروریسم به‌عنوان یک مقوله «ژئوپلیتیکی» محسوب می‌شود که در روابط و رقابت‌های میان دولت‌ها با گروه‌های معارض داخلی، در رقابت میان کشورها در سطح منطقه‌ای و در رقابت و کشمکش میان قدرت‌های جهانی با یکدیگر، به‌عنوان ابزار مقابله به‌کار گرفته می‌شود. بنابراین، حرکت جامعه بین‌الملل در مبارزه با این پدیده تهدیدکننده امنیت، باعث تغییر و تحول در رژیم‌های امنیتی و رفتارهای ژئوپلیتیکی شده است. تروریسم یک تهدید جدی علیه امنیت ملی و بین‌المللی است و با استفاده از بنیان‌های ژئوپلیتیکی می‌توان آن را تعریف و در معرض بحث و بررسی قرار داد. تأثیر و تأثرهای فی‌مابین قلمروخواهی و تروریسم می‌تواند تا نقش بسزایی در ژئوپلیتیک محلی و جهانی داشته باشد. در واقع، ژئوتروریسم به نقل‌مروخواهی گروه‌های تروریست اشاره می‌نماید که در مواقعی به جنگ‌های سخت می‌انجامد و امنیت محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را با خطر مواجه می‌سازد. اهمیت این پژوهش، از این جهت است که با روش توصیفی - تحلیلی بیان می‌کند در جهان امروز، «تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرتها تلقی می‌گردد». در واقع، این فرضیه، اثبات شده است که «امروزه، کشورهای قدرتمند از تروریسم به‌عنوان یک ابزار ژئوپلیتیکی، برای مقابله با رقبایشان استفاده می‌کنند».

واژه‌های کلیدی: تروریسم، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، امنیت، فضا

مقدمه

(۷۸). حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نگرانی‌های وسیعی درباره تهدیدهای غیر قابل کنترل که توسط بازیگران و از مکان‌های ناشناخته نسبت به جوامع محلی سازماندهی می‌شدند برانگیخت (روسی و وانولو، ۱۳۹۵: ۲۳۸). این تهدیدهای غیرقابل کنترل، همان تروریسم است که هم توسط بازیگران دولتی و هم توسط بازیگران غیردولتی به منظور تعقیب اهداف سیاسی - اجتماعی موردنظرشان، مورد استفاده قرار می‌گیرد (لشگری، ۱۳۹۴: ۱۳۳). به‌عبارت دیگر،

مروزه تروریسم به‌عنوان یک بحران ژئوپلیتیکی، در سطوح فضایی مختلف به یک تهدید جدی علیه امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل گردیده است و با استفاده از بنیان‌های ژئوپلیتیکی می‌توان آن را تعریف و در معرض بحث و بررسی قرار داد و برنامه‌های مسلط سیاسی این خشونت؛ که حقوق بشر را هم نادیده گرفته است، را از بین برد (حسینی، ۱۳۹۵).

تروریسم به عنوان ابزار رقابتی در دست قدرت‌ها ارائه داد؟»، کوشش به عمل می‌آید.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع بنیادی و نظری است و روش جمع‌آوری داده‌ها در آن، اسنادی و کتابخانه‌ای است. شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش‌شناسی کیفی می‌باشد. در این راستا، برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش شده به بررسی تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها پرداخته شود. بنابراین، با به کارگیری متغیرهای اصلی مانند تروریسم، ژئوپلیتیک و رقابت سعی بر آن است به نتیجه قابل تعمیمی در این زمینه دست یابیم. تا کنون تحقیقات زیادی در رابطه با تروریسم، در ایران و سایر کشورها انجام شده است مانند: ناجی‌راد، ۱۳۸۷. جهانی‌شدن تروریسم. ویشنیاکوف، ۱۳۹۲. مبانی اساسی رویارویی با تروریسم. ترجمه محمد نایب پور. عبدالله خانی. ۱۳۹۰. تروریسم‌شناسی. حاجیانی، ۱۳۸۹. پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم. که در همه این تحقیقات به نحوی توضیحاتی در رابطه با مفهوم و چگونگی پدید آمدن تروریسم داده شده، ولی تحقیق حاضر به تروریسم به عنوان یک ابزار که در دست قدرت‌ها است و برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌شود، توجه شده و با رویکردی جدید و ژئوپلیتیکی به این مبحث پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

ابزارهای رقابت ژئوپلیتیکی: تلاش نیروها و گروه‌های تأثیرگذار برای رقابت در کسب قدرت و کنترل فضا و دستیابی به جایگاه برتر زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم ژئوپلیتیک است (احمدی‌پور و میرزایی تبار، ۱۳۹۷: ۳۱). به عبارتی، بُروز رقابت‌های ژئوپلیتیک بر ایند کُنش جوامع انسانی برای رقابت بر سر ارزش‌ها و کسب منفعت مادی و معنوی است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۳). هم‌پوشانی و اشتراک نمادهای جنگ (هجوم، دفاع، رقابت، سیاست، خشونت، پیروزی و شکست) به‌عنوان پدیده‌ای ژئوپلیتیکی با عرصه تروریسم، فضایی مستعد برای

تروریسم به مثابه ابزاری برای رقابت و منازعه دولت‌ها (به‌ویژه ابرقدرت‌های جهانی)، هم حقوق بشر را به خطر انداخته و هم گفتگوی ملت‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان را به تعارض یا زمینه‌سازی برای تعارض کشانده است؛ بنابراین، مهمترین مسئله در زمان حاضر، ایجاد امنیت بین‌المللی در قبال تروریسم است و مبارزه با تهدیدات امنیتی تروریسم و تلاش برای مقابله با گروه‌های تروریستی که فاقد مکان و سرزمین مشخص‌اند و تهدیدات امنیتی نامتقارن برای همه کشورها پدید آورده‌اند، در صدر دستور کار سازمان‌های امنیتی و بین‌المللی قرار دارد. تروریسم در هر دو شکل داخلی و بین‌المللی آن، پدیده‌ای قدیمی است که اهداف آن در طیفی از کسب قدرت و نبرد برای آزادی ملی تا سرکشی و عمل به دستورات ایدئولوژیکی قرار می‌گیرد. تروریسم از سوی اشخاص و گروه‌های کوچک، جنبش‌های فراملی، امپراطوری‌ها و کشورها به‌کار گرفته می‌شود و از تسلیحات و تکنیک‌های مُهلک برای ایجاد ترس و وحشت گسترده در میان مردم استفاده می‌کند (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۸۴) و به رقابت جویی بازی‌های ژئوپلیتیکی ابرقدرت‌ها دامن می‌زند. از آنجاکه ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیای، قدرت و سیاست و کُنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷)، به طور حتم تروریسم به عنوان یک سیاست (ابزار) برای رسیدن به قدرت در مکان‌های مورد توجه قدرت‌های جهانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین، جنگ علیه تروریسم به‌ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، به گفتمان مسلط امنیتی و ژئوپلیتیکی در نظام بین‌الملل تبدیل شده است، زیرا پس از این حملات، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌هایی که بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد صادر شد، ضمن تأکید بر عزم جهانی برای مبارزه با این پدیده ضد امنیتی، اعلام نمود که تروریسم، تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی است (اشلقی، ۱۳۸۶: ۹۱).

در این مقاله بنیادی، در راستای پاسخ به این پرسش که «چگونه می‌توان تحلیلی ژئوپلیتیکی از

دوران جدید سبب گردیده که گستردگی و شدت رقابت‌ها در اطراف بعضی از این نوع مناطق که به آنها مناطق استراتژیک یا راهبردی گفته می‌شود، افزایش یابد. پُر واضح است در این بازی بزرگ ژئوپلیتیک رقابت قدرت‌ها بایکدیگر در این مناطق به صورت رویارویی مستقیم نیست. بُروز رقابت مختص فضاهای دارای پتانسیل تحول ژئوپلیتیک است (لشگری، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۹). در این راه قدرت‌ها برای رقابت و پیروزی در آن از ابزارهای مختلف استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها در شکل زیر آمده است.



شکل ۱: ابزارهای رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌ها، ترسیم: نگارنده

مانگوپولوس، ۱۳۸۹: ۸-۱۷). تهدید مفهومی تروریسم، چنان‌که ادوارد ماکسون می‌گوید: در جهان واقعی و در صحنه عمل، به مراتب پیچیده‌تر از دیگر مباحث است، چرا که انتقاد از کسانی که متهم به اعمال تروریستی هستند، بسیار مشکل است. برای مثال، هم فلسطینی‌ها (که به دفاع مشروع از سرزمین خود در مقابل اشغالگران صهیونیستی می‌پردازند) و هم اسرائیلی‌ها (که به صورت نامشروع و غیر قانونی سرزمین فلسطین را اشغال نموده‌اند و هر روزه در این سرزمین دست به جنایات بی‌شماری می‌زنند)، تروریست نامیده می‌شوند. درحالی‌که هیچ کدام خود را تروریست نمی‌دانند. در این خصوص پال پیلر^۲ می‌گوید: «تروریسم عبارت است از خشونت از پیش طراحی شده با جهت‌گیری سیاسی بر ضد اهداف غیر نظامی از سوی گروه‌های خرده ملی که معمولاً برای

بازنمایی تمایلات ستیزه‌جویانه و رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌ها فراهم کرده است. به‌عبارتی، رقابت‌های سیاسی کشورهای جهان با ابزار تروریسم تحلیل ژئوپلیتیکی تروریسم را حائز اهمیت می‌کند. در دوران بعد از جنگ سرد اصولاً یک منطقه جغرافیایی راهبردی در سرحد فضایی حوزه نفوذ ژئواکونومیک قدرت‌های جهانی حضور می‌یابد. ضمن این‌که مفهوم قدرت‌های جهانی امروزی نیز بیش از آن‌که برمبنای اصول سیاسی- نظامی تعریف گردد، برمبنای ایده‌های سیاسی-اقتصادی تعریف می‌گردد. ادامه این روند در

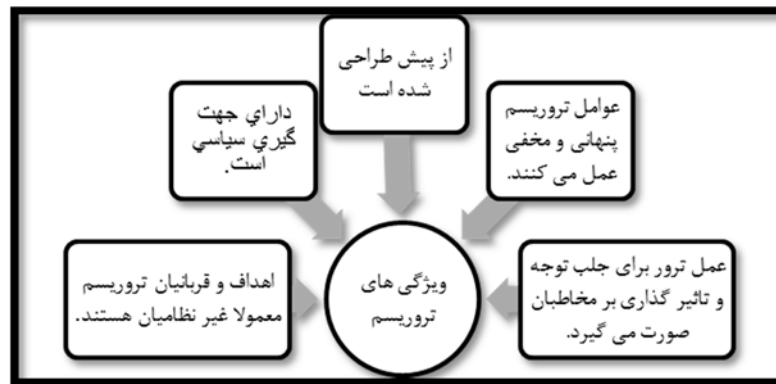
تروریسم! ترور به معنی ترس و وحشت زیاد است و در اصطلاح به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای گفته می‌شود که در نتیجه دست‌زدن به خشونت، قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت، به منظور رسیدن به اهداف سیاسی و کسب یا حفظ قدرت به وجود می‌آید. تروریسم اقدامی ویرانگر و فی‌نفسه موجد نقض بسیاری از حقوق اساسی بشر است. آنچه از سال ۲۰۰۱، با عنوان مبارزه با تروریسم پدید آمد، هرچند در ابتدا به عنوان «حفظ صلح و امنیت»، اما با تبدیل شدن به جریانی از نقض فاحش و گسترده حقوق بشر به‌ویژه ایجاد روندی از جدال با اسلام و اعراب، به عنوان ابزاری برای رقابت و منازعه دولت‌ها (بویژه ابرقدرت‌های جهانی)، هم حقوق بشر را به خطر انداخت و هم گفتگوی ملت‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان را به تعارض یا زمینه‌سازی برای تعارض کشاند (بندک و

2. Pall pieler

1. Terrorism

دارای پنج ویژگی است که در شکل ۲، نشان داده شده است.

تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود» (هرسیچ، ۱۳۸۳: ۲۱). براساس این تعریف، تروریسم



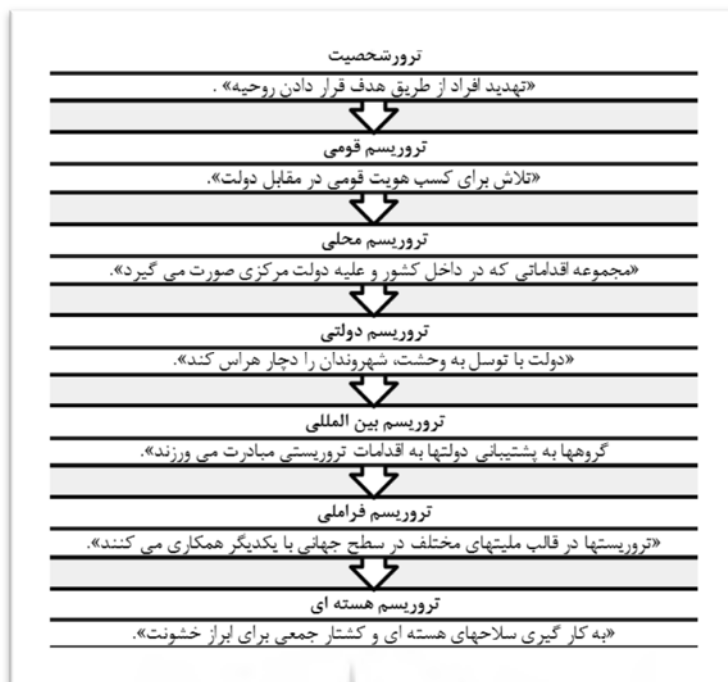
شکل ۲: ویژگی های تروریسم، ترسیم: نگارنده

تروریسم ملی؛ با اهداف سیاسی-قومی و درچارچوب مرزهای سرزمینی یک کشور صورت می‌گیرد. هدف این نوع تروریسم ایجاد اختلال در نظم و امنیت، جهت دستیابی به خودمختاری یا استقلال و واگرایی قومی-مذهبی است. مانند اقدامات کردها در ترکیه.

تروریسم جهانی؛ هدف غالب این مقیاس ایجاد تغییر در انگاره‌های جهانی است. به این منظور خاستگاه حضور آن را در هر کشوری می‌توان یافت و این مقیاس از مفهوم تروریسم به شدت تحت تأثیر پدیده جهانی شدن قرار دارد. در این زمینه هدف اصلی اقدامات تروریستی معطوف به جهان شهرها و مکان‌های پر قدرت خواهد بود. مانند واقعه ۱۱ سپتامبر در مرکز تجارت جهانی شهر نیویورک. و تأثیرات آن مقیاس جهانی داشت (لشگری، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۴). تهدیدات تروریستی اشکال گوناگونی دارد که از ترور شخصیت شروع و به تروریسم فراملی و امروزه تروریسم هسته‌ای ختم می‌شود. به‌طور کلی، انواع عملیات‌های تروریستی را می‌توان در شکل زیر ملاحظه نمود:

به‌طور کلی می‌توان گفت: هر عملی که در برگیرنده استفاده از سلاح گرم، مواد منفجره و خطرناک باشد به نحوی که کاربرد آن مرگ یا جراحت بدنی جدی افراد یا خسارت جدی به املاک را موجب گردد (حجت‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۷)، نوعی عمل تروریستی نامیده می‌شود. قابل توجه است که تروریسم با دفاع مشروع متفاوت است. به عبارت دیگر، هراسانی عقلاً حق دارد در مواقع احساس خطر به دفاع از جان، مال و ناموس خود و افرادی که دفاع از آنان بر وی واجب است، اقدام کند. دین مبین اسلام در این مورد نیز به پیروان خود راهکار ارائه داده و با قید شرایطی به مسلمانان اجازه داده تا به هنگام لزوم به دفاع از خود برخیزند و این امر نشان‌دهنده حرمت و اقتداری است که اسلام بر جان و مال و ناموس انسان بالاخص مؤمن قائل است (علی‌پور و خالقی، ۱۳۹۴). در واقع، این نوع دفاع مشروع است.

انواع تروریسم: بدیهی است رابطه تروریسم و جغرافیا در دو مقیاس ملی و جهانی قابل بررسی است.



شکل ۳: انواع تهدیدات تروریستی، ترسیم: نگارنده

گروههای تروریستی یا دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه هستند. یا بدون سرزمین و پراکنده هستند. اگر اقلیت وزن ژئوپلیتیکی بالایی داشته باشد، دچار نوعی احساس خود اتکایی می شود و مطالبات خود را مطرح می سازد و معمولاً با مخالفت اکثریت مواجه شده و نوعی نزاع و درگیری و روابط خصمانه میان آنها ایجاد می گردد که می تواند به اقدامات تروریستی نیز ختم شود. یعنی در مواردی برای رسیدن به اهداف خود ممکن است حقوق بشر را هم زیر پا بگذارد یا به ابزاری برای قدرت ها و اعمال نقشه های آنها تبدیل گردد (مانند گروه تکفیری داعش). بنابراین، درخور توجه است که بدانیم، ژئوپلیتیسین ها، نقش این رفتار در سیاست دولت ها و نیز سیاست بین الملل را مورد توجه و کنکاش قرار می دهد.

امنیت! امنیت در فرهنگ معین، به این صورت تعریف شده است: «یک مصدر صناعی فارسی که حاوی معانی ای همچون ایمن شدن و در امان بودن است» (معین، ۱۳۶۰: ۳۵۴)؛ همچنین در فرهنگ

شایان ذکر است که حملات تروریستی در رده جنگ های نیابتی (وضعیتی است که در آن قدرت های درگیر به جای این که مستقیم وارد جنگ با طرف مقابل شوند، با حمایت های مالی و تسلیحاتی از کشورها و گروه های مسلح (تروریستی) دیگری که با کشور مقابل یا متحدین آن در جنگند و به تضعیف آن قدرت یا اعمال فشار بر آن می نمایند، مانند آمریکا که از طریق کشورهای عربستان، اسرائیل و گروه تروریستی داعش و القاعده، با ایران و کشورهای محور مقاومت در حال مبارزه و منازعه است) قرار می گیرد. امروزه مهم ترین جنگ های نیابتی از طریق گروه های تروریستی انجام می گیرد. این گروهها به طرُق وحشیانه به قتل عام مردم و مبارزه علیه دولت ها می پردازند و به نیابت از کشورهای قدرتمند عمل می کنند؛ بنابراین هدف از جنگ نیابتی، دستیابی به اهداف کشورهای حامی است که در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی قرار دارد و وضعیت خاصی از نظر حقوقی، جامعه شناختی و ژئوپلیتیکی برای گروه های تروریستی به وجود می آورد (ژرژ، ۱۳۷۴: ۵). از منظر فضایی (سرزمین و زیستگاه)،

عمید، «به معنای آرامش و آسودگی و ایمنی است» (عمید، ۱۳۴۵: ۱۳۸). امنیت عبارت است از رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخشی (حسینی، ۱۳۹۵) که در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه ای و جهانی، دولت - ملت‌ها را احاطه می‌کند، البته با وجود برنامه‌ریزان و مسئولان باتجربه و کاردان، امنیت در داخل و خارج از مرزهای ملی، حیات سیاسی کشورها را حفظ و تضمین می‌کند. نهایت مفهوم امنیت، «بقا» است که خود شامل طیفی اساسی از ملاحظات محیطی و موقعیت محلی و علت وجود آن‌ها می‌گردد. امنیت زمینه ساز و بستر ساز توسعه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است. به دلیل مطالعه توسعه امنیت پایدار و تعیین مؤلفه‌های آن امنیت یک عامل اساسی به شمار می‌رود. مفهوم امنیت پایدار مستلزم توجه به تمامی وجوه امنیت است. به سبب اهمیت این مفهوم در پهنه‌های گوناگون در سطح جهان و در محافل گوناگون بسیار مورد توجه قرار گرفته است. «امنیت پایدار»، ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹). چهار بُعد از امنیت عبارت است از: ۱- امنیت سیاسی، ۲- امنیت اقتصادی، ۳- امنیت اجتماعی، ۴- امنیت محیطی (واثق و حسینی، ۱۳۹۵: ۹۳).

امنیت نظامی به‌عنوان سنتی‌ترین محور امنیت ملی، به میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدهای قهرآمیز اشاره دارد. موضوع اصلی امنیت نظامی، بر محور جنگ و ابزارهای زور متمرکز است و هدف آن، ممانعت از بروز جنگ و در صورت واقع شدن، پیروزی در آن می‌باشد، اما با بروز تغییرات و تحولات گسترده در دهه آخر قرن بیستم، (بویژه حملات تروریستی) نظم

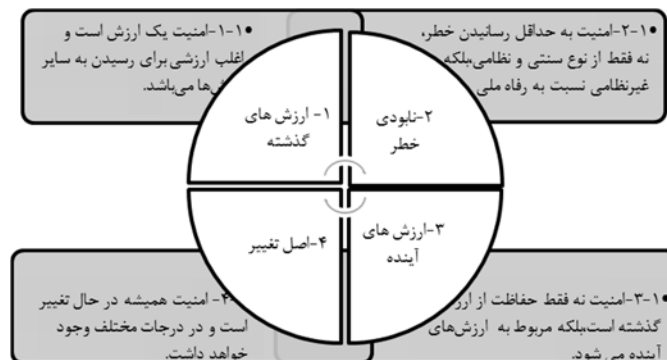
اجتماعی و محیطی در معرض تغییر و تحولات ژرف و گسترده قرار گرفته است که جامعه جهانی امروز را در بطن و متن یک دوران گذار و در آستانه تجربه الگوهای بدیع و بی‌بدیل قرار داده است. براساس این تغییرات گسترده، ایده مسلط دوران جنگ سرد است که در قالب برخورد و رویارویی تبلور یافته است. امنیت اقتصادی: به معنای میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی اطلاق می‌شود. امنیت محیطی: جدیدترین جنبه امنیت ملی که کمتر از سایر جنبه‌ها در این مفهوم ادغام شده است، امنیت منابع - محیطی است. امنیت محیطی شامل آلودگی‌های تهدیدکننده حیات و محیط زندگی انسان می‌شود. امنیت سیاسی و فرهنگی: به عنوان نامحسوسترین بعد امنیت ملی، از جمله ابعادی است که کمتر از سایر وجوه امنیت ملی تنظیم و طبقه بندی شده است. یکی از اهداف اصلی این بعد از امنیت ملی، حفظ مشروعیت سیاسی و هویت فرهنگی از طریق وارد کردن توده‌ها به فرآیند سیاستگذاری است. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۲).

در مجموع، می‌توان از تعاریف ارائه شده درباره امنیت در متون گوناگون، نقاط مشترکی را ملاحظه نمود که در شکل ۴، به آن‌ها اشاره شده است.

در رابطه با امنیت سه وجه مهم وجود دارد که عبارت است از: تعریف، ابعاد و سطوح امنیت که به دو مورد تعریف و ابعاد امنیت اشاره شد، اما در رابطه با سطوح امنیت باید به سطح محلی تا جهانی اشاره کرد. «امنیت محلی و ملی»^۱ یعنی وجود آرامش و ثبات نسبی در داخل سرزمین و قلمرو یک کشور و «امنیت منطقه‌ای»^۲ براساس نیازهای جمعی درک شده در یک منطقه ژئوپلیتیکی تکامل یافته برای کشورهای عضو منطقه معنی دار است.

1. Local and national security

2. Regional security



شکل ۴: نقاط مشترک تعاریف امنیت، ترسیم از نگارنده

- احساس برتری و توانایی به چالش کشیدن حریف
 - میزان اهمیت بازیگر تهدیدشده یا ارزش‌های مورد نظر او برای تهدیدکننده
 - ارزیابی قابلیت‌ها و توانایی واکنش تهدیدشده در برابر تهدیدکننده
 - موقعیت ژئوپلیتیکی تهدیدشده در سیستم منطقه‌ای و جهانی و کیفیت شبکه ارتباط او با سایر عناصر سیستم
 - موقعیت جغرافیایی تهدیدشده و انعکاس فضایی بازتاب‌های تهدید
 - حساسیت ملت‌های طرفین نسبت به یکدیگر
 - میزان ثبات و استحکام سیاسی تهدیدشده و تهدیدگر و...
 تهدید به لحاظ ماهیت، روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده، انواع و ابعاد مختلفی دارد، مانند: تهدید سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی. تهدیدات جلوه‌های عملیاتی مختلفی دارند که عبارتند از: تحریم اقتصادی، سلاح‌های هسته‌ای، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر، نگرانی‌های زیست‌محیطی، برخوردهای قومی و... که هر کدام به نوبه خود باعث نگرانی کشورها می‌شوند و امنیت آن‌ها را به چالش می‌کشند که البته دولت‌ها درصد دفاع و ایجاد سدهای دفاعی در برابر این تهدیدات هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰).

رویکردهای نظری مبارزه با تهدید تروریسم:

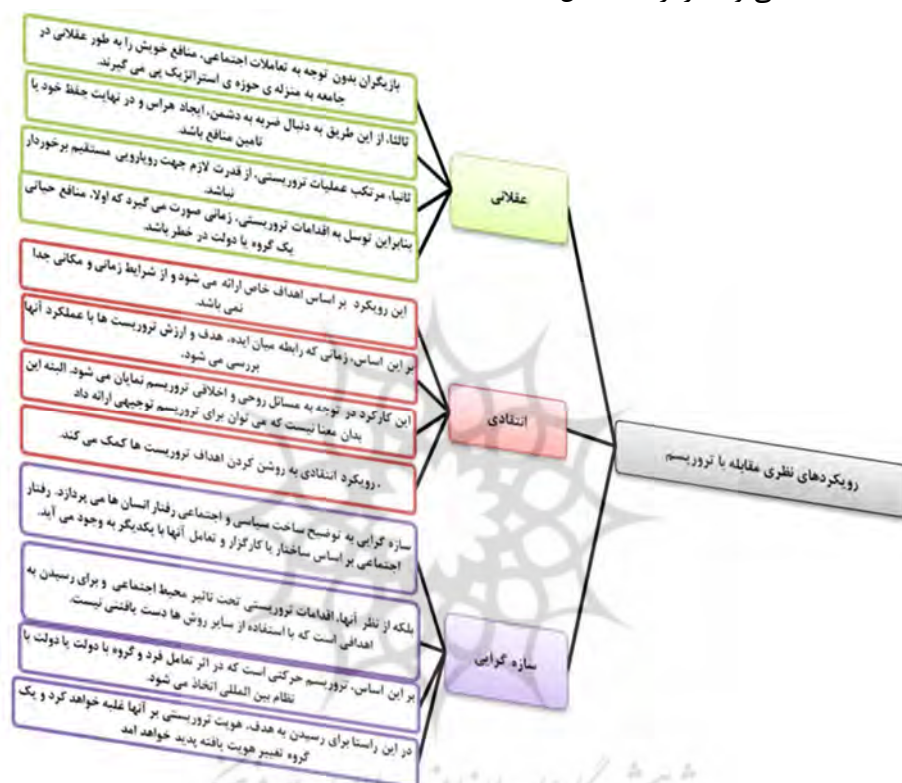
همان‌طور که اشاره شد، حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در تاریخ تروریسم محسوب می‌شود؛ زیرا شکل و شیوه

این امنیت براساس مقابله با تهدیدات درونی یا بیرونی منطقه و در چارچوب یک ساختار سازمانی مرکب از دول منطقه، قابل تولید و تأمین است (مایوز، ۱۳۷۹: ۲۴). «امنیت بین‌المللی و جهانی»،^۱ به دنبال بروز دو جنگ جهانی اول و دوم در نیمه اول قرن بیستم معنی‌دار شد و توجه به آن ضرورت پیدا کرد. براین اساس، نهاد جامعه ملل متفق پس از جنگ اول جهانی تشکیل شد، ولی به دلیل ناکارآمدی در تأمین امنیت و پیشگیری از جنگ جهانی دوم، منحل شد. سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم و با مأموریت‌های وسیع‌تر در زمینه حفظ حاکمیت برابر برای دولت‌ها، پیشگیری از کاربرد زور در روابط بین‌الملل، حمایت از حقوق بشر و از همه مهم‌تر، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل شد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

تهدید^۲: تهدید در برابر امنیت قرار می‌گیرد. به عبارتی، تهدید امنیت را به چالش کشیده و آن را نفی می‌کند. در واقع امنیت تابع نوع، میزان و شدت تهدید است. تهدید عملی است که برای تنبیه یا آزار دیگران به منظور اطاعت‌پذیری آن‌ها بوده و در برابر امنیت ملی قرار می‌گیرد و از آن به تجاوز به حق حاکمیت دولت‌ها در امور داخلی و خارجی آن‌ها تعبیر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۵: ۶۸). تهدید را می‌توان به سطوح مختلف بازیگران از فرد تا جمع تعمیم داد. تهدید تحت تأثیر عوامل و شرایط مختلفی نظیر موارد زیر شکل می‌گیرد:

1. International security
2. Threat

است و در این راستا گفتمان‌های گوناگونی در مطالعات امنیتی و استراتژیک مورد توجه قرار گرفته است، زیرا از راه مطالعه این گفتمان‌ها، می‌توان در یک روند کامل، ریشه‌ها، شیوه‌ها، گرایش‌ها، اقدامات و راه‌های مقابله با تروریسم را بررسی نمود. به طور کلی، در تحلیل تروریسم می‌توان به گفتمان‌های زیر اشاره کرد:



شکل ۵: رویکردهای نظری مقابله با تروریسم، ترسیم: نگارنده

(ماهنامه نگاه، ۱۳۸۲ و الکساندر، ۱۹۹۲: ۳۸)

تروریسم می‌نامند. این تعریف تروریسم از طرف اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ارائه شده است (حجت‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۷). در روابط بین‌الملل، یکی از دغدغه‌های اساسی بیشتر دولت‌ها و ملت‌ها دوری از تروریسم و مبارزه علیه آن است. لازم به ذکر است که برداشت ملت‌ها از این واژه یکسان نیست، مثلاً در حالی که مسلمانان رژیم صهیونیستی را تروریست می‌نامند، آمریکا و اسرائیل فلسطینی‌ها را تروریست معرفی می‌کنند.

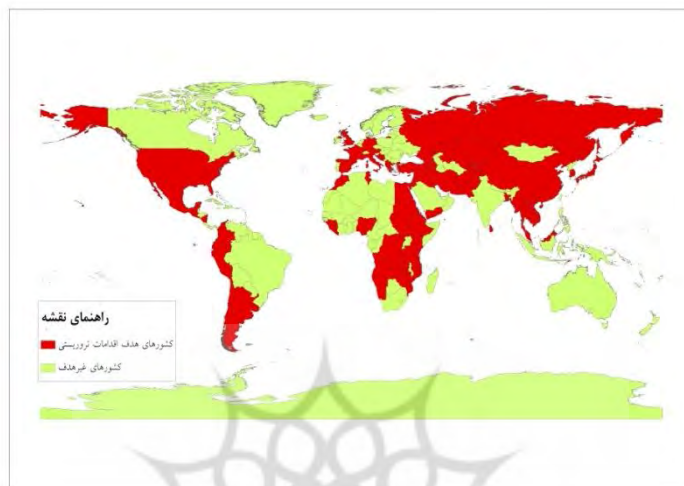
جدیدی از تروریسم را به جهانیان معرفی کرد؛ به طوری که امروزه تروریسم از جمله مهم‌ترین تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده است. افزون بر این، با وجود شکل‌گیری ائتلاف جهانی برای مبارزه با تروریسم، تفاسیر و دیدگاه‌های مختلفی در مورد ماهیت، ریشه‌ها و به‌ویژه نحوه مقابله با آن ارائه شده است به طوری که در حال حاضر، تروریسم به هسته اصلی مطالعات امنیتی و استراتژیک تبدیل شده

یافته‌ها: تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها

تروریسم ابزار ژئوپلیتیکی رقابت در روابط بین‌الملل: ارتکاب، حمایت، دستور، تسهیل، تأمین مالی، تشویق یا تحمیل اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولت یا ملت دیگر که اشخاص یا املاک را با هدف ایجاد وحشت و ترس یا ناامنی، در اذهان عمومی گروه‌هایی از مردم یا عامه جمعیت با هر ملاحظه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی یا مذهبی را

طی این دوره در معرض اقدامات تروریستی بوده‌اند را نشان می‌دهد. تقریباً دو سوم این حملات در دو دهه گذشته صورت گرفته است. سی و چهار کشور از این مجموعه کشورهای مسلمان هستند که نشان از آسیب مسلمانان در برابر تروریست‌ها که از آن به‌عنوان «تروریسم اسلامی» یاد می‌شود، دارد.

تروریسم تا حد زیادی قابلیت تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را دارد و نیاز است تا طرحی جامع و با برنامه‌های طولانی مدت برای ارائه راهکارهای مقابله با تروریسم با حضور تمام کشورها ایجاد شود. تقریباً یک صد کشور از پایان جنگ جهانی دوم هدف حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. جدول زیر کشورهایی را که



نقشه ۱: کشورهایی که با هدف رقابتی مورد حملات تروریستی بوده‌اند، ترسیم: نگارنده (کوهن، ۲۰۱۴ و ۱۳۸۷: ۱۸۶)

ترور درون‌گروهی فعالیت خود را آغاز کرد و آسامه بن‌لادن در رأس تشکیلات جدید قرار گرفت و ایمن‌الظواهری به شخص دوم آن تبدیل شد. آن‌ها پس از ۱۱ سپتامبر در کشورهای مختلفی چون یمن، کنیا، اندونزی، عربستان، مالزی و عراق به فعالیت پرداختند. نسل سوم، جهاد در سرزمین رافدین؛ با فروپاشی سازمانی القاعده و متلاشی شدن تمرکز نیروهایش در افغانستان، سازمان جماعت توحید و جهاد را در عراق تأسیس نمود. نسل چهارم، دولت اسلامی عراق و شام؛ این نسل پیوند عمیقی با نسل قبلی خود دارد و در سال ۲۰۱۳ پس از ادغام نیروها در عراق و سوریه اقدام به تشکیل «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) نمود (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۷).

در این‌جا، نمونه‌های گوناگونی از تروریست‌های به ظاهر اسلامی و عناصر جهادی تندرو در طول پنجاه سال گذشته که قدرت‌ها از آن‌ها حمایت کرده‌اند و

به‌طورکلی، این حملات به وسیله تروریست‌ها انجام گرفته است. بارزترین گروه‌های تندرو ظاهرگرایی اسلامی (تروریستی) که از سال ۲۰۱۱ به یک‌تازی پرداخت، گروه خلافت اسلامی عراق و شام بود که در اصطلاح داعش نامیده می‌شد؛ لیکن در این مسیر ظاهرگرایان دارای یک پیشینه و سلسله‌بندی هستند که مطالعه و پرداختن به آن روشن می‌نماید که بعد از داعش، توالی سلسله وار این گروه‌ها با چنین تفکرانی چگونه ادامه یافته است، آنچه به نظر می‌رسد تاکنون چهار نسل جدی از ظاهرگرایان بروز و ظهور یافته‌اند که با این اندیشه به بحران آفرینی، ترور، عملیات مسلحانه و... اقدام نموده‌اند که عبارتند از: نسل اول، مکتب‌الخدمه؛ همزمان با جنگ سرد و حمله شوروی به افغانستان (۲۴ دسامبر ۱۹۷۹) صورت گرفت، نسل دوم، القاعده، با خروج نیروهای شوروی از افغانستان و پایان نظام دوقطبی نسل دوم ظاهرگرایان پا به عرصه عمل گذاشتند. این نسل در مرحله ابتدایی با اقدام به

حتی به آن‌ها در خاک خود پناه داده است، اشاره می‌شود:

۱- وهابیت سعودی: جنبش تروریستی و افراط‌گرا و جهادی نمای «وهابیت» از آغاز تا سپس خود (در قرن هجدهم مورد حمایت غرب بوده و همچنان نیز هست. نمونه این‌که بهترین و بزرگترین و زیباترین و ثروتمندترین مساجد در غرب به وهابیت تعلق دارد و منابع و مشاوران برای مراکز اسلام‌شناسی غربی همه از وهابیت تأمین می‌شوند. در حوادث اخیر نیز نیروهای رزمنده داعش تا حدود زیادی از غرب تأمین می‌شوند و سران القاعده همگی مدت‌های طولانی در دامان غرب پرورش یافته‌اند وهسته ادعایی جهادی در حادثه یازده سپتامبر نیز از غرب تأمین شد. هم‌اکنون نیز اعضای داعش با آزادی تمام در غرب به فعالیت مشغولند و حتی تظاهرات می‌کنند و پرچم خود را آزادانه هرجا بخواهند نصب می‌کنند. ۲- جنبش اخوان مصری: این جنبش از آغاز تأسیس خود روابط ویژه‌ای با غرب داشته و ارتباط آن با انگلستان و نیز با آمریکا از طریق رهبران ساکن در غرب یا تحصیل کرده در غرب چیز پوشیده‌ای نیست. ۳- حزب التحریر: حزب التحریر حزبی اسلام‌گرا و تأسیس شده در سال ۱۹۵۳ در بیت‌المقدس توسط روحانی فلسطینی تقی‌الدین النبهانی است. این سازمان خود را در پی خلافت می‌داند و دموکراسی را فریب می‌خواند. این حزب ادعا می‌کند برای بازگشت زندگی اسلامی در سرزمین‌های اسلامی از طریق تأسیس دوباره «خلافت» تلاش می‌کند. برخی کشورها این سازمان را تروریستی دانسته و در برخی کشورها فعالیت آن به دلیل اتهام دست داشتن در خشونت ممنوع است. حزب، فعالیتش را در بیش از پنجاه کشور گسترش داده‌است و گفته می‌شود که بیش از یک میلیون عضو دارد. حزب علاوه بر کشورهای اسلامی و عربی، در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز فعال است. هدف کلی این حزب وحدت امت اسلامی و ایجاد خلافت اسلامی در جهان است. به‌طورکلی، آنچه که در سال‌های اخیر تازگی دارد و تحول مهمی محسوب می‌شود، آموزش و تجهیز این به اصطلاح جهادگرایان

و در واقع تروریست‌های به ظاهر مسلمان و اعزام آنان به کشورهای اسلامی برای کشتار مردم مسلمان است که به ظاهر در راستای اعتقاد سلفی‌ها مبنی بر لزوم جنگیدن با دشمن قریب (مقصود مسلمانان است) انجام می‌گیرد ولی در واقع، کارگردان و بهره‌برداري کننده آن، غرب است. در واقع، غرب خواهان نابودی تروریسم نیست بلکه می‌خواهد آن را مهار کند و در راستای اهداف خود به کارگیرد. با توجه به گذشته و با در نظر گرفتن اهداف و منافع ترسیم‌شده از سوی غرب، چند سناریو محتمل است: ۱- تشدید حمایت غرب از تروریست‌های جهادی به منظور اعزام آنان به کشورهای اسلامی برای کشتار و خرابکاری، ۲- محدود ساختن نسبی تروریست‌ها به منظور تیرئه خود، ۳- ممنوعیت رسمی فعالیت تروریست‌ها و اجازه پشت پرده به فعالیت آنان، ۴- ربط دادن مسئله جهادگرایان به مسئله مهاجران برای فشار بیشتر بر آن‌ها، ۵- بهره‌برداری از مسئله جهادگرایان و خطر آن‌ها به عنوان خوراک تبلیغاتی در اسلام‌هراسی و نفرت پراکنی بر ضد مسلمانان (براتی و پسندیده، ۱۳۹۷) و به طور خلاصه پیروزی در رقابت‌های ژئوپلیتیکی با استفاده از ابزار تروریسم.

به‌طورکلی، با توجه به این‌که، شیوه‌ها و ابزارهای جدیدی از سوی تروریست‌ها به کار گرفته می‌شود که از کنترل دولت‌ها خارج شده است، برخی قدرت‌ها برای رسیدن به اهداف خود به آن‌ها روی آورده‌اند تا در رقابت‌های ژئوپلیتیکی و رسیدن به منافع سیاسی-اقتصادی خود پیروز میدان باشند، در حقیقت تروریسم ابزاری برای حضور قدرت‌های بزرگ در برخی مناطق ارزشمند نظیر خاورمیانه و خلیج فارس به‌شمار می‌رود. تا پیش از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، حدود ۱۱ کنوانسیون علیه اقدامات تروریستی تدوین شده بود، پس از این رخداد، قطعنامه‌های متعددی در این باره به تصویب رسید که تأکید خاصی بر تأمین امنیت آمریکا داشت. قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، حملات تروریستی علیه مرکز تجارت جهانی نیویورک را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرد. شورای امنیت با استناد به ماده ۵۱ منشور

جهان به خصوص خاورمیانه و جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داد. حملات تروریستی برخاسته از گروه‌های تروریستی تهدید عمده‌ای برای بسیاری از کشورها محسوب می‌شوند. آغاز هزارهٔ جدید برجسته‌کنندهٔ گروه‌های تروریستی، چون القاعده و داعش است که به ایفای نقش در سیاست جهانی پرداختند. این دسته از گروه‌ها با به چالش کشیدن ایالات متحده، خطر گسترش تروریسم بنیادگرای اسلامی را در سطح جهان بازگو نمودند. از این رو سازمان‌های بین‌المللی گروه‌های تروریستی را بر اساس منابع حمایتی آن‌ها تقسیم‌بندی و براین اساس محورهای تحت فشار قراردادن تروریست‌ها و حامیان آنان را تدوین نمودند، براین اساس، گروه‌های تروریستی را می‌توان به سه شکل زیر تقسیم‌بندی نمود: گروه‌های حمایت‌شدهٔ غیر دولتی، گروه‌های حمایت‌شده دولتی، گروه‌های رهبری‌شده توسط دولت‌ها (کریمی و احمدی، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳). از آن‌جاکه تروریسم، به عنوان یک ابزار ژئوپلیتیکی در دست ابرقدرت‌ها، در صورتی که بتواند به اهداف خود برسد، تهدیدی بزرگ برای امنیت بین‌الملل محسوب می‌شود؛ بنابراین، اقدامات مهمی برای جلوگیری و مبارزه با آن‌ها انجام گرفته است و دولت‌ها ملزم به همکاری بایکدیگر و با نهادهای بین‌المللی در این خصوص شده‌اند. در شکل زیر، به برخی از نکات مهم در این‌باره اشاره شده است.

ملل متحد، دفاع دسته جمعی و فردی و اتخاذ هرگونه تدبیر در این رابطه علیه تروریسم را مجاز اعلام کرد. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، قطعنامهٔ ۱۳۷۳، براساس فصل ۷ منشور صادر شد که در آن شورای امنیت علاوه بر پیش‌بینی استفاده از قوهٔ قهریه برای اجرای مصوبات شورای امنیت در خصوص تروریسم، از همهٔ ملت‌ها خواست تا از اقدامات شورای امنیت حمایت کنند (اشلقی، ۱۳۸۶: ۹۷).

بنابراین، تروریسم در مطالعات روابط بین‌الملل دارای جایگاه مهمی است، هم از نظر این‌که کدام کشورها در ایجاد گروه‌های تروریستی نقش دارند و هم از لحاظ این‌که کدام کشورها در تیررس اقدامات تروریسم قرار دارند. به هر حال در شرایط کنونی، موضوع تروریسم مورد توجه کشورها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است؛ بنابراین مهار آن جز با همکاری دسته‌جمعی ملت‌ها و ایجاد دستورالعمل‌های بین‌المللی میسر نمی‌باشد. درعین حال، بزرگترین مانع این همکاری، رفتار هژمونیک و یک‌جانبه‌گرایانهٔ برخی قدرت‌هاست؛ چراکه آن‌ها در پی کشورگشایی و اهداف جاه‌طلبانهٔ خود هستند. شایان ذکر است، پس از جنگ سرد، تروریسم به عنوان شکلی از تهدیدات فرامرزی در ژئوپلیتیک جهان ظاهر شده است. به عنوان مثال، واقعهٔ تروریستی ۱۳دی ماه ۱۳۹۸ (ترور سردار سلیمانی بدست آمریکا)، ساختار ژئوپلیتیکی



شکل ۶: نکات حائز اهمیت در رابطه با قطعنامه‌های مربوط به تروریسم، ترسیم: نگارنده

برنامه‌های ضد تروریسم و مدیریت بحران به موقع وارد عرصه سیاسی نشوند، قلمرو و مرزهای دولت-ملت (کشور) در معرض نابودی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، امروزه تروریسم در زمره مفاهیم و موضوعات ژئوپلیتیکی قرار گرفته و با بعضی از الگوهای ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم و با برخی دیگر رابطه عکس دارد. اگر به شکل زیر توجه کنیم، متوجه می‌شویم که رشد و توسعه تروریسم، به نابودی الگوهای رفتاری ژئوپلیتیک منجر می‌گردد.

در حال حاضر، تروریسم به مثابه ابزاری ژئوپلیتیکی و نمادی از تهدید، علیه امنیت بین‌الملل شناسایی شده و صدور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر گردیده از جمله قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۹۰ بر عزم جامعه جهانی در مبارزه با این پدیده تأکید دارد، چراکه امنیت پایدار ملی به وسیله تروریسم که یک ابزار ژئوپلیتیکی است مورد تهدید قرار گرفته است؛ بنابراین، چالش، بحران و انزوای ژئوپلیتیکی به بروز فضای نامن منجر خواهد شد. در این میان اگر



شکل ۷: رابطه تروریسم و الگوهای ژئوپلیتیکی، ترسیم: نگارنده

عامل تروریسم باشد، اما می‌تواند به بدتر شدن اوضاع کمک کند. مذهب به خاطر تکیه بر موضوعاتی همچون حقیقت، واقعیت‌های مطلق و اعمال خوب و بد، در تعریف مفهوم خشونت می‌تواند به گسترش رویکرد رسمی کمک نماید. در نهایت این‌که در هر مذهبی می‌توان به تروریسم برخورد کرد؛ بنابراین تروریسم صرفاً مربوط به یک مذهب نیست. بسیاری از اندیشمندان معتقد هستند در برخورد با اندیشه‌ها و گروه‌های تروریستی که متکی بر ادیان و مذاهب هستند، باید احتیاط بیشتری به خرج داد. به این منظور اقدامات زیر توصیه می‌گردد:

- از رویکردهای چندمحوری مشتمل بر اقدامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به موازات اقدامات امنیتی و نظامی باید استفاده کرد.
- راههای ارتباطی و مذاکره‌ای همواره باید باز باشد.
- ریشه‌های تروریسم مذهبی باید بیش از لایه‌های بیرونی و خارجی آن مورد توجه قرار گیرد. براین اساس، باید به مناقشات دارای جنبه‌های مذهبی و

همچنین، آنچه امروز به‌عنوان بنیادگرایی در قالب فعالیت‌های خشونت‌طلب و تروریستی یاد می‌شود، خشونت‌طلبی و خرابکاری با استناد به مضامین مذهبی و تعالیم دینی است که توسط برخی گروه‌های تروریست استفاده می‌شود، نمونه‌های بارز چنین گروه‌هایی القاعده، داعش، بنیادگرایان سیک و بنیادگرایان یهودی هستند (کریمی و احمدی، ۱۳۹۱: ۵۴) که باز به نظر می‌رسد دست ابرقدرت‌ها و بیگانگان در این فعالیت‌ها باز است و به دنبال رسیدن به اهداف خود در مناطق خاصی، این گروه‌ها را پشتیبانی مالی و فکری می‌کنند. به‌طور کلی، در خصوص ریشه‌ها و زمینه‌های مذهبی تروریسم مطالعات زیادی انجام شده است و از آن‌جاکه بخش مهمی از تروریسم در حال حاضر متکی بر دین و مذهب اسن، این مسئله مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد: اولاً مذهب به ندرت منشاء تروریسم بوده و تروریسم بیشتر وابسته به موقعیت بوده است. ثانیاً مذهب می‌تواند به فرهنگ خشونت کمک کند. یعنی با وجود آن‌که نمی‌تواند تنها

چپ‌گرا که جایگزین آن‌ها شدند، تا ارتش‌های سرخ که در دهه ۱۹۷۰ در آلمان، ایتالیا و ژاپن دست به عملیات می‌زدند، همگی بساطشان برچیده شد و امروزه جناح‌های راست افراطی پرچم دار این اقدامات شده‌اند (حاجیانی و ضمیری، ۱۳۸۹: ۳۷). برجسته‌ترین تغییر در استراتژی قدرت‌های بزرگ، استفاده از ابزار تروریسم در رقابت و مبارزه علیه یکدیگر است. در این‌جا تروریسم دارای دو بازو می‌شود: ۱- بازوی سیاسی (خدمات اجتماعی و آموزشی عرضه می‌دارد، تجارت می‌کند و در انتخابات رقابت می‌کند) مثل: افراطیون گُرد در ترکیه و جنبش میهنی و آزادی باسک در اسپانیا، ۲- بازوی نظامی (مبادرت به رهگیری و قتل) مثل: القاعده و داعش (همان، ۳۸). تروریسم اقدامی ویرانگر و فی‌نفسه موجد نقض بسیاری از حقوق اساسی بشر است. آنچه از سال ۲۰۰۱، با عنوان مبارزه با تروریسم تولد یافت، هرچند در ابتدا به‌عنوان «حفظ صلح و امنیت» معرفی شد، اما با تبدیل شدن به جریانی از نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و به‌ویژه ایجاد روندی از جدال با اسلام و اعراب، همچنین به عنوان ابزاری برای رقابت و منازعه دولت‌ها (به‌ویژه ابرقدرت‌های جهانی)، هم حقوق بشر ملازم با صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخت و هم گفتگوی ملت‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان را به تعارض یا زمینه‌سازی تعارض کشاند (بندک و مانگوپولوس، ۳۸۹: ۸-۱۷). آمریکا جنگ علیه اسلام را جنگ با تروریسم می‌داند و اعراب و مسلمانان را متهم به تروریسم کرده است. درحالی‌که این خصومت‌ها ریشه در دشمنی و خصومت اعتقادی صهیونیست‌هایی دارد که در تار و پود جامعه آمریکا ریشه دوانده‌اند. تروریسم صهیونیستی که در صهیونیسم یهودی و صهیونیسم مسیحی نمود پیدا می‌کند و هدف آن ترویج و انتشار رعب و وحشت در جان و روح ملت‌ها است. بدون هیچ رحم و شفقتی از تمام وسایل قتل و کشتار استفاده می‌کند، اغلب دارای انگیزه‌های روانی و آنی است که به منافع گروه یا مجموعه یا کشورها ضربه وارد کند، مانند آنچه تاکنون توسط آمریکا و اسرائیل به وقوع پیوسته است (سروش، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹). در واقع

پایان دادن به آن‌ها توجه کرد. مانند قضیه فلسطین و اسرائیل (عبداله خانی، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۲). تروریست‌های مذهبی با استفاده از خشونت، به زعم خود در پی پیشبرد اهداف مذهبی هستند و عمدتاً اعضای فرقه‌های افراطی‌اند. این نوع تروریسم در حال حاضر به سرعت در حال رشد است. حدود نیمی از گروه‌های تروریستی بین‌المللی که در فهرست سازمان‌های جهانی معرفی شده‌اند، انگیزه‌های مذهبی دارند (حمزه‌زاد، ۱۳۸۴: ۲۷).

به‌طور کلی می‌توان گفت: تروریست قومی-مذهبی، به کارگیری خشونت برای رسیدن به اهداف مقدس است و اهداف تروریست‌های مذهبی منشأ غیر انسانی دارد. آن‌ها به دنبال انجام دادن تکالیف الهی و جاری کردن شریعت مذهبی و یا اهداف قومی خود هستند، لذا به هر کاری که در محدوده آموزه‌های مذهبی باشد، عمل خواهند کرد و به هیچ‌وجه نگران بُعد اخلاقی و یا ضد اخلاقی بودن عمل خود نیستند. امروزه تروریسم اسلامی است که غرب مسلح به پیشرفته‌ترین سلاح‌های پیچیده کشتار جمعی را به شدت به وحشت انداخته است (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۷۹). تروریست‌هایی که به‌صورت مذهبی تحریک شده‌اند، اهداف خود را به صورت حکمی مقدس، قابل اطمینان و غیر قابل بحث در نظر می‌گیرند (US Army and Doctrine Command and other, 2005: 10).

بنابراین، دین ابزاری واقعی برای اداره و به کارگیری ساکنان یک محدوده جغرافیایی یا قومی برای رسیدن به اهداف سیاسی است که به وسیله سیاستمداران برنامه‌ریزی شده و می‌تواند به وسیله دولت‌ها یا گروه‌های تروریستی همچون بنیادگرایان مذهبی به کار گرفته شود (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۴۹). به‌عنوان نمونه، درگیری‌های فکری و مذهبی در پاکستان، افغانستان، ایرلند، کشمیر و به طور گسترده در خاورنیه (شیعه و سنی)، از جمله چنین تروریسمی به شمار می‌روند.

تحلیل ژئوپلیتیکی از تروریسم: از اوایل قرن ۲۰، انگیزه‌ها و سلاح‌های تروریست‌ها تا حد زیادی تغییر یافته است. از آنارشیست‌ها و گروه‌های تروریست

اسلوبودان میلو سوویچ، رئیس جمهور سابق یوگسلاوی، در دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در شهر لاهه، دفاعیات خود را براساس آن مطرح کرد و مدعی شد که می‌خواست از مردم صرب در مقابل تروریست‌ها مراقبت کند. این ادعای همیشگی تروریست‌های دولتی است؛ در صورتی که تروریست دولتی به مراتب مرگبارتر از تروریسم شخص است (همان، ۲۵). عواملی که باعث ورود تروریسم به داخل یک کشور به مثابه تهدید ژئوپلیتیکی می‌شوند عبارتند از: - بحران اقتصادی - عدم وجود یک ایدئولوژی مشخص - بروز تنش ملی - تضعیف تدابیر امنیتی - افزایش میزان جرایم معمولی - نفوذ افراطی‌گری سیاسی، مذهبی در زندگی اجتماعی - فروپاشی ساختار سیاسی جامعه (فدروف، ۱۳۵۸: ۱۱۲). - هجوم مهاجران از کشورهای نزدیک - رشد بیکاری - اختلاف و تبعیض بین طبقات جامعه (ویشنیاکوف، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۲). امروزه، تروریسم سیاسی هرچند که قبلاً تنها علیه سران عالی‌رتبه حکومت‌ها انجام می‌گرفت، اما در سال‌ها و دهه‌های اخیر افرادی چون قضات و ماموران پلیس و افراد سرشناس ملی را نیز در بر گرفته است (خضارتی، ۱۳۹۳: ۷۹). مانند شهدای هسته‌ای ایران که با اقدامات تروریستی و در راستای اهداف دشمنان ایران انجام گرفته است، اما با این حال، همه اعمال تروریستی با انگیزه سیاسی صورت نمی‌گیرند، بلکه برخی دارای انگیزه‌های غیر سیاسی هستند. به‌طور مثال، برخی تروریست‌ها، تروریست‌های موضوعی نام دارند که برای حمایت از یک موضوع خاص، دست به اقدامات تروریستی می‌زنند و در مواقعی به‌گونه‌ای افراطی عمل کرده و شکل سیاسی و جهانی به خود می‌گیرند مثل گروه افراطی - تکفیری داعش. حقیقت امر آن است که، تروریسم معاصر ساختار پیچیده‌ای دارد و مجموعه‌ای از فرایندهای چندجانبه و تکمیل‌کننده یکدیگر همچون ایدئولوژیکی، مجرمانه، نظامی و اقتصادی سیاسی و ملی و مذهبی بودن را در بردارد. در مجموع امروز تروریسم بازتابی است در برابر کش و قوس‌های فرصت‌سوز برای حل چالش‌های سیاسی، اجتماعی و نژادی قابل حل (ویشنیاکوف،

تروریسم، ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی قلمداد می‌شود و کاربرد ژئوپلیتیکی پیدا می‌کند؛ به‌طوری که طرفین منازعه یکدیگر را تروریسم خطاب می‌کنند؛ بنابراین عوامل درونی (اهداف سیاسی و استراتژیک) بر مفهوم تروریسم در این جهان تک قطبی حاکم شده است. به‌طور کلی، به دنبال حملات یازده سپتامبر و بیانیه جرج بوش با موضوع «جنگ علیه تروریسم»، بسیاری از کشورها در سراسر جهان به این کاروان پیوسته و با استفاده از این عنوان به جنگ با دشمنان و رقیبان‌شان پرداختند. دولت هند در ۱۶ جولای سال ۲۰۰۲، مجدد از واشنگتن خواست تا نام پاکستان را در فهرست تروریست‌ها قرار دهد. این کار، درست چهار روز بعد از حمله تروریست‌های کشمیری و زخمی کردن حداقل ۱۳ تن در کشمیر انجام شد. (به کار بردن این اصطلاح علیه پاکستان، مغایر با تلاش‌های واشنگتن در جهت برقراری دوستی با این دولت است). این مثال گویای کاربرد تروریسم به‌عنوان یک ابزار در رقابت‌ها و دشمنی‌ها است. در واقع سوءاستفاده دولت‌ها از واژه تروریسم در توجیه اقدامات خود، تروریسم را رنگ ژئوپلیتیکی می‌بخشد. برخورد واشنگتن با جنبش اسلامی ترکستان شرقی در چین، گویای این است که تعریف تروریسم نه تنها مقوله‌ای سیاسی است، بلکه قابل تغییر بوده و می‌توان بر سر آن مذاکره کرد. یک دیپلمات آمریکایی در پکن در سال ۲۰۰۲ فاش کرد که واشنگتن قصد دارد دارایی‌های مالی این گروه اسلامی را به اتهام کشتار غیر نظامیان توقیف کند. آمریکا مدارک خاصی را برای اثبات این اتهام ارائه نداد. در عوض همان اتهام قدیمی را که چینی‌ها مطرح می‌کردند، تکرار کرد. در هر حال تلاش‌های پکن برای سرکوب این جنبش موفقیت‌آمیز بود (گارو، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۵). آن‌ها برچسب تروریست را به جناح چپ مخالف، چه جنایت‌کار باشد یا نباشد، نسبت دادند. تروریسم دولتی در آرژانتین جهت‌گیری یهودستیزانه داشته و تروریسم دولتی در گواتمالا به ضدیت با مذهب کاتولیک متهم شده بود؛ ماهیت پیچیده اصطلاح تروریسم وقتی آشکار شد که

شده تروریست برای به دست آوردن قدرت در کشورهای رقیب، مورد حمایت مالی آشکار قرار می‌گیرند (ویشنیاکوف، ۱۳۹۲: ۴۳). مهم‌ترین شاخص استفاده ابزاری از تروریسم توسط کشورهای قدرتمند برای رسیدن به منافع‌شان، جنگ‌های نیابتی است، که کارکرد ژئوپلیتیکی تروریسم را بیشتر آشکار می‌سازد. در واقع برخی کشورها برای رسیدن به اهداف خود مستقیم وارد منازعه و جنگ نمی‌شوند و از گروهک‌های تروریستی یا برخی کشورهایی که سیستم مدیریتی منفعت جویانه دارند و ساده‌لوحانه دست به اجرای تصمیمات می‌زنند، استفاده می‌کنند که نمونه بارز آن در شکل زیر آمده است:

۱۳۹۲: ۴۰؛ بنابراین، دنیای معاصر مناسب‌ترین و بهترین وضعیت برای گسترش تروریسم در کشورهای به اصطلاح دموکراتیک پدید آورده است. در این کشورها تروریست‌های داخلی و برون‌مرزی از آزادی مطبوعات برای تبلیغ و گسترش نگرش‌های خود و اعلام تهدید با استفاده از اصل «پناهندگی سیاسی»، نهایت بهره را می‌برند. بریتانیا بهترین شاهد برای این ادعاست. در حوزه جغرافیایی این کشور، رزمندگانی برای نبرد در چچن و عضویت در القاعده استخدام می‌شوند و همچنین به مجرمان و تبهکارانی که در تعقیب بین‌المللی هستند، پناهندگی سیاسی داده می‌شود. در چنین اوضاعی، رهبران قدیم و شناخته



شکل ۷: جنگ‌های نیابتی آمریکا علیه ایران در خاورمیانه از طریق ابزار تروریسم، ترسیم: نگارنده



شکل ۸: دلایل شکل‌گیری و استحکام چرخه‌های شبکه‌های تروریستی، ترسیم: نگارنده

منابع

۱. اشلقی، مجید. ۱۳۸۶. تروریسم تهدید امنیت بین‌المللی، مطالعات سیاسی، شماره اول.
 ۲. احمدی‌پور، زهرا، میزایی‌تبار، میثم. ۱۳۹۷. ژئوپلیتیک شهر و تبیین مفهوم رقابت، اصفهان: جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۲، پ ۷۰.
 ۳. احمدی‌پور، زهرا، بویه، چمران، جنیدی، رضا. ۱۳۹۱. جنگ نمادین در حوزه ارزش‌ها، رقابت‌های ژئوپلیتیک و مسابقات بین‌المللی، تهران: تحقیقات کاربردی جغرافیا، شماره ۲۷.
 ۴. ابراهیم‌نیا، حسین. ۱۳۹۷. آیا پابلی بر گروه‌های تندرو و ظاهر گرای اسلامی هست؟ مرکز بین‌المللی مطالعات صلح-IPSC (۲۱ اذر)-<http://peace-ipsc.org/fa/11119>
- /2
۵. بصیری، محمدعلی. ۱۳۸۰. تحولات مفهوم امنیت ملی، تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال چهارم، شماره اول و دوم، فروردین و اردیبهشت.
 ۶. بندک، ولفگانگ و مانگوپولوس، آلیس. ۱۳۸۹. تروریسم و حقوق بشر. ترجمه محمدجعفر ساعد، تهران: دادگستر.
 ۷. براتی، عباسعلی. ۱۳۹۷. سلفیه جهادی در اروپا و نقش آن در اسلام هراسی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح - IPSC (۲۵ شهریور) <http://peace-ipsc.org>
 ۸. پسندیده، سمیه. ۱۳۹۰. مبارزه با تروریسم در جمهوری قزاقستان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC. <http://peace-ipsc.org/fa>
 ۹. حاجیانی، ابراهیم، ضمیری عبدالحسین. ۱۳۸۹. پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
 ۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۹۰. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، ۳۳۴-۳۳۷.
 ۱۱. حجت‌زاده، عبدالحسین. ۱۳۸۴. تروریسم، مفاهیم، اقدامات و راههای برون‌رفت، ماهنامه نگاه، شماره ۴۹، خرداد و تیر.
 ۱۲. حسینی، نرجس سادات. ۱۳۹۵. تروریسم؛ بحران ژئوپلیتیکی چند سطحی، اولین همایش بین‌المللی بحرانهای ژئوپلیتیکی جهان اسلام، تهران، موسسه آینده پژوهی جهانی - https://www.civilica.com/Paper-اسلام-ICGCIW01-ICGCIW01_106.html

به‌طور کلی، متذکر می‌شوم با توجه به مباحث بالا و بررسی‌های مختلف، چند دلیل عمده در ایجاد و استحکام گروه‌های تروریستی (با هدف پیروزی در رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌ها) نقش اساسی دارد که در شکل ۸، به آن‌ها اشاره شده است:

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که امروزه گروه‌های تروریستی، نقش و کارکرد مهمی در بازی‌ها و رقابت‌های جهانی، منطقه‌ای و درون‌سرزمینی میان بازیگران رقیب دارند و به همین جهت، در حکم یک ابزار ژئوپلیتیکی تلقی می‌گردند. مفهوم ژئوپلیتیک قومی - مذهبی و مسئله کشمکش و جنگ‌های نیابتی در گوشه و کنار جهان به‌ویژه نقش‌آفرینی گروه‌های تروریستی نظیر داعش، القاعده و بوک‌حرام به‌عنوان ابزار و اسلحه کشورهای نظیر آمریکا، انگلستان و فرانسه در مقابله با روسیه، چین، ایران و دیگران به‌کار گرفته می‌شوند؛ همچنین، همین گروه‌های تروریستی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای نظیر اسرائیل، عربستان و ترکیه برای مقابله با قدرت جبهه مقاومت شامل ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین به‌کار می‌روند. بنابراین، ظهور تنش‌ها و درگیری‌های مذهبی و قومی در جهان به‌خصوص در مناطقی چون خاورمیانه از مظهر ژئوپلیتیک قومی - مذهبی به‌شمار می‌رود. در عصر کنونی، تروریسم از سطح محلی و منطقه‌ای بالا رفته و در مقیاس جهانی عمل می‌کند. تروریسم امروزی به ابزاری در دست کشورهای قدرتمند تبدیل گشته و آن‌ها به واسطه این ابزار، به مقابله با رقبای خود پرداخته و در پی رسیدن به اهداف و مقاصد خوداستفاده می‌باشند، به همین جهت، به دنبال تقویت تروریست‌ها و ایجاد جنگ‌های نیابتی بوسیله آن‌ها با رقبای خود هستند. این تروریسم با بهره‌گیری از ابزار و فناوری‌های جدید توانسته جهان را به صحنه نبرد خود تبدیل نماید و عملاً به مثابه ابزار و عامل ژئوپلیتیکی خودنمایی کند.

۲۵. فرهنگ معین. ۱۳۶۰. جلد اول، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
۲۶. کوهن، سائول برنارد. ۱۳۸۷. ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه، عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
۲۷. گروه تحقیق ماهنامه نگاه. ۱۳۸۲. رویکردهای نظری مبارزه علیه تروریسم. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ شماره ۳۴. سال چهارم. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژی در جمهوری اسلامی ایران.
۲۸. مایوز، زیو. ۱۳۷۹. امنیت منطقه‌ای، ترجمه داوود علمایی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
۲۹. ویشنیاکوف، ی. د. ۱۳۹۲. مبانی اساسی رویارویی با تروریسم. ترجمه محمد نایب پور. تهران: دانشگاه نیروی انتظامی.
۳۰. واثق، محمود، حسینی، نرجس سادات. ۱۳۹۵. بررسی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه امام خمینی(ره)، مجله سیاست دفاعی، ش ۹۴.
۳۱. ناجی‌راد، محمدعلی. ۱۳۸۷. جهانی‌شدن تروریسم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۲. هاشمی، سیدمصطفی، عبدالسلام اسمعیل زاده محسن حکمت‌نیا. ۱۳۹۸. سطح بندی پایداری امنیتی شهرستانهای مرزی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای. نمونه موردی: شهرستانهای استان خراسان شمالی، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال نهم/ شماره مسلسل سی و دوم / ۱۸۰-۱۶۳.
۳۳. هرسیچ، حسین. ۱۳۸۳. رابطه عملیات تروریستی و سیاست‌های آمریکا، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، آذر و دی، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲.
34. Alagappa, Muthiah. 1987. The national security of developing states. Malaysia. ISIS.
35. Alexander, Wendt. 1992. Anarchy is what State Make of it: The Social Structure of power politics. International Organization, 46: 2.
۱۳. حمزه‌زاد، حمید. ۱۳۸۴. بیوتروریسم: سلاح خاموش. تهران: آجا.
۱۴. خضارتی، امیرشریف. ۱۳۹۳. تروریسم (رویکرد سیاست جنایی تقنینی). تهران: اندیشه عصر.
۱۵. روسی، یوگو و وانلوسو، آربرتو. ۱۳۹۵. جغرافیاهای سیاسی شهر، ترجمه علی ولی‌قلی‌زاده و مهدی کریمی، انتشارات دانشگاه مراغه.
۱۶. سروش‌نژاد، احمد. ۱۳۸۷. تروریسم و دفاع مشروع. دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم
۱۷. عنادی، مراد. ۱۳۸۹. روزنامه خراسان، ۱۷۶۷۳. مورخ ۲۲ مهر.
۱۸. علیپور، آزاده، خالقی، ابوالفتح. ۱۳۹۴. بررسی شرایط و ضرورت‌های دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران، نخستین کنفرانس سراسری پژوهش‌های نوین در حقوق و علوم اجتماعی. https://www.civilica.com/Paper-RLSS01-RLSS01_031.html
۱۹. عبدالله‌خانی، علی. ۱۳۹۰. تروریسم شناسی. تهران: ابرار معاصر.
۲۰. گارو، فردریک. اچ. ۱۳۸۷. تروریسم دولتی و ایالات متحده آمریکا. ترجمه رضا محمودی فقیهی، ناشر: دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی
۲۱. لشگری، احسان. ۱۳۹۴. سیاست و شهر، تهران، انتشارات انتخاب.
۲۲. لشگری، احسان. ۱۳۹۵. تبیین ژئوپلیتیک رقابت قدرت‌های جهانی در اوراسیای مرکزی، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، شماره ششم.
۲۳. فدروف، الکساندر. ۱۳۸۵. ابر تروریسم چالش جدید برای قرن جدید. ترجمه شمس السادات هل‌انایی و همکاران، تهران: راشا.
۲۴. فرهنگ عمید. ۱۳۴۵. جلد اول، تهران: جاویدان، چاپ دوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی